

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵

واکاوی حق بشر بر محیط زیست

۱۲۷

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

مهرداد محمدی و همکار
واکاوی حق بشر بر محیط زیست

سید محمد حسینی^۱
مهرداد محمدی^{۲*}

۱. دکترای حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دکترای حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

در پی پیشرفت صنعت و تکنولوژی در قرون اخیر، محیط زیست و منابع طبیعی آن به شدت مورد استفاده قرار گرفته شده و رو به زوال نهاده‌اند، که نتیجه منطقی آن آلودگی و تخریب بیش از حد آن‌ها بوده است. با گسترش مباحث حقوق بشر به خصوص در سیاق حقوق بین‌الملل در طی قرن گذشته این سؤال همواره مطرح بوده که آیا بشر، حقی نسبت به محیط زیست و منابع طبیعی موجود در آن دارد و به عبارت رساتر این حق نوعی از حقوق بشر محسوب می‌شود؟ فرضیه این تحقیق آن است که حق بر محیط زیست الزاما یک حق بشری محسوب نمی‌شود اگرچه ارتباط تنگاتنگی با حق بشر دارد. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی موشکافانه و دقیق نسبت به ابعاد مختلف موضوع و با رویکردی حقوقی پرداخته و دیدگاه‌های مختلف نسبت به ارزش و کاربرد محیط زیست را بررسی نموده و در نهایت پس از تبیین رابطه محیط زیست با حقوق بشر به مهم‌ترین مصادیق حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بشری اشاره کند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، محیط زیست، حق بر محیط زیست، انسان محوری، طبیعت

محوری.

امروزه در پی استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و عدم توجه به مباحث محیط زیستی و عدم رعایت الگوهای صحیح پیشرفت در قالب مفهوم توسعه پایدار، محیط زیست طبیعی به شدت مورد صدمه واقع شده است. در دهه‌های اخیر، توسعه شهرها و افزایش جمعیت انسانی و تغییرات اقلیمی و وقوع خشکسالی‌های مداوم و بلند مدت، باعث به وجود آمدن مسائل زیست محیطی و آلودگی‌های فراوان شده است. مسأله آلودگی هیچ مرز و قلمروی نمی‌شناسد. آب و هوا، مواد آلوده خطرناک را از یک منطقه یا کشور به قلمرو دیگر منتقل می‌نماید. آنچه که در این باره به شدت محیط زیست انسانی را تهدید می‌کند تخریب بی‌رویه و خارج از قاعده محیط زیست و موجودات آن است. با توجه به اینکه اغلب این منابع غیرقابل تجدید هستند و برخی از این موجودات ممکن است در اثر تخریب زیستگاه‌هایشان برای همیشه منقرض گردند، حفاظت از محیط زیست به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. لذا برخی از حقوق‌دانان با مطرح نمودن حقوق محیط زیستی بشر، سعی در حفظ این حقوق و بهبود وضعیت موجود در آن دارند. به اعتقاد اینان حقوق بشر صلاحیت آن را دارد که از محیط زیست در جهت منافع بشری محافظت نماید. اما سؤال اصلی در این میان آن است که آیا حق بشر به محیط زیست و منابع طبیعی موجود در آن در زمره حقوق بشر ارزیابی می‌گردد و به عبارت رساتر این حق نوعی از حقوق بشر محسوب می‌شود؟ فرضیه این تحقیق آن است که حق بر محیط زیست الزاماً یک حق بشری محسوب نمی‌شود اگرچه ارتباط تنگاتنگی با حقوق بشر دارد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی سعی بر آن دارد تا پس از ارائه تعاریفی کلی از محیط زیست و حقوق بشر (گفتار اول) به رابطه حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست پرداخته و با طرح رویکردهای انسان محوری، طبیعت محوری، خالق محوری و جامع‌نگر به محیط زیست (گفتار دوم) به بیان مصادیق و چگونگی حق بر محیط زیست پردازد (گفتار سوم).

گفتار اول: حق و محیط زیست، تعاریف و مفاهیم

۱- مفهوم حق و حقوق

حق واژه‌ای عربی است که معادل آن در زبان فارسی «هستی پایدار» است. یعنی هر چیزی که از اثبات و پایداری بهره‌مند باشد، حق است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۴) واژه حق دارای معانی متفاوتی است که در اینجا به چند تعریف مهم از آن بسنده می‌کنیم. گاهی برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی را در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد، این امتیاز و توانایی را حق می‌نامند؛ مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و غیره (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱-۲). اما گاهی حق امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۷۴) در تعریفی دیگر از مفهوم حق آمده است «حق امری است اعتباری که به نفع کسی و علیه دیگری وضع می‌شود». (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۷: ۲۶) لذا با توجه به تعاریف فوق می‌توان حق را این‌گونه تعریف نمود که حق به معنای ویژگی و امتیازی است که برای موجودات (اعم از جاندار و غیرجاندار) وضع شده است و دیگران موظف‌اند که آن را رعایت نمایند. در این پژوهش مراد ما از حق و حقوق، شامل این تعریف می‌شود.

۱-۱- حقوق موضوعه و حقوق طبیعی

به طور کلی، بیشتر حقوق‌دانان حقوق را به دو دسته «حقوق وضعی» و «حقوق طبیعی» تقسیم می‌کنند. همان‌گونه که از نام «حقوق وضعی» یا «حقوق موضوعه» پیداست، حقوقی را که نیاز به وضع واضح دارند و انسان ذاتاً واجد چنین حقوقی نیست، «حقوق موضوعه» می‌نامند. در تعریف «حقوق موضوعه» گفته شده: «مجموع قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند» و نیز گفته شده: «حقوق موضوعه مجموع نظامات و قواعدی هستند که بنا به نیازها و مقتضیات زمان و تحولات اجتماعی از طرف مقام صلاحیت‌دار وضع می‌شوند و در زمان معین حقوق و تکالیف مردم و روابطشان را نسبت به هم معین می‌کنند و دولت اجرای آن را به عهده می‌گیرد» (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۹). با توجه به این دو تعریف؛ بشری بودن، موقتی بودن، نسبی بودن، تحوّل‌پذیری، تابع مقتضیات زمان و مکان بودن و قابلیت فسخ و نسخ داشتن از جمله ویژگی‌های حقوق وضعی هستند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۹) اما موضوع حقوق طبیعی در عین وضوح و

برخوررداری از نوعی سادگی، از جمله مباحث مهم و احیاناً پیچیده فلسفه حقوق به شمار می‌رود. در حقوق طبیعی، سخن از عدالت، احترام به شخصیت افراد و محترم شمردن حقوق ثابت انسان‌هاست. هم‌چنین حقوق طبیعی از مبانی الزام‌آور حقوق موضوعه بوده، منشأ اولیه حقوق موضوعه به شمار می‌رود نیز در تعریف آن گفته‌اند: حقوق طبیعی به قواعدی می‌گویند که برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است. بدین‌سان، حقوق طبیعی حقوقی است که حجیت خود را از چیز دیگری به دست نیاورده‌اند و پیش از آن‌که قانونی وضع شده باشد وجود داشته‌اند، باید از آغاز آفرینش انسان همراه انسان بوده باشند، بنابراین، «حقوق طبیعی» کاملاً نقطه مقابل «حقوق موضوعه» هستند؛ یعنی غیر بشری، دائمی، تحوّل‌ناپذیر، ثابت و غیرقابل فسخ یا نسخ‌اند و انسان‌ها از هر نژاد و جنس و در هر کسوت و سنی که باشند واجد آن حقوق هستند و هیچ‌کس حق نادیده گرفتن آن‌ها یا پایمال ساختن آن‌ها را ندارد؛ زیرا انسان‌ها ذاتاً و فطرتاً واجد آن حقوق بوده و چون ذات و فطرت هیچ انسانی با دیگری متفاوت نیست، برخورداری از آن حقوق نیز برای همگان مساوی و یکسان خواهد بود. از این رو، حقوق طبیعی دارای مرتبه‌ای بالاتر از حقوق موضوعه است و از تقدم مرتبه‌ای برخوردار است؛ یعنی نه تنها نهادهای مقننه حکومت‌ها باید حقوق طبیعی را محترم بشمارند، بلکه باید قوانینی که به تصویب می‌رسانند و به مرحله اجرا در می‌آورند، همگی در جهت محافظت و حمایت از حقوق طبیعی انسان‌ها باشند و مراقب باشند که در وضع قوانین، حقوق طبیعی نقض نگردد. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۰) از واژه حقوق دو نوع قدرت برداشت می‌شود. گاهی حقوق به معنای اراده مستقل فردی است که در اینجا حقوق با معنای آزادی مترادف است برای مثال تفاوتی بین آزادی رفت و آمد و حق رفت و آمد نیست، اما گاهی از اوقات حقوق به معنای مجموعه قدرتی است که نه بر خود بلکه بر دیگران اعمال می‌شود. در اینجا حقوق به معنای آزادی نیست بلکه حقوق به معنای مطالبه چیزی از افراد یا جامعه می‌باشد، برای مثال حق بر تأمین معاش، حق برخورداری از سلامتی نمونه‌های از مفهوم دوم حقوق است.

۱-۲- حقوق بشر

تعریف واحدی از حقوق بشر وجود ندارد و نویسندگان در این باره تعریف‌های متعددی ارائه داده‌اند. برخی گفته‌اند: حقوق بشر، حقوقی است که از نظر ملل متمدن برای هر فرد به طور ذاتی و اساسی وجود دارد و این حقوق تجزیه و تفکیک‌ناپذیر هستند. (شفایی، ۱۳۸۶). هم‌چنین گفته شده است: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد

انسانی طبعاً دارای آن است. این امتیازات در صورت تحقق، معیار واقعی مشروعیت و ملاک محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد است». (فلسفی، ۱۳۷۵: ۹۵) و نهایتاً اینکه «حقوق بشر عبارت است از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت لازم از آن برخوردار می‌باشند». (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲) با توجه به تعریف‌های فوق می‌توان گفت: «حقوق بشر، مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان با صرف‌نظر از هرگونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی و ... از آن برخوردار است». (فیروزی، ۱۳۸۴: ۳۸).

۲- مفهوم و قلمرو محیط زیست

بنابر یک تعریف ساده از محیط زیست بایستی گفت که به محیط اطراف، که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با ما در ارتباط می‌باشد محیط زیست گفته می‌شود و شامل سه بخش محیط زیست طبیعی، محیط زیست اجتماعی و محیط زیست انسان ساخت می‌باشد. محیط زیست طبیعی ساخته دست بشر نمی‌باشد و شامل عوامل جاندار و بی‌جان می‌باشد. محیط زیست اجتماعی هم محیطی است که در آن زندگی می‌کنیم. محیط زیست انسان ساخت نیز به محیطی اطلاق می‌شود که با توجه به نیازهای انسان به دست انسان ساخته شده است. لذا، یکی دانستن محیط با طبیعت (جنگل، حیات وحش، مراتع، سبزه‌زارها، رودخانه‌ها و آب‌های سطحی)، نه تنها گمراه‌کننده است، بلکه نادرست است. محیط در معنای منطقی و گسترده ذهنی خود، محیط ناطبیعی، انسانی، اجتماعی یا مصنوعی را در بر می‌گیرد. در عین حال می‌توان با رویکرد نسبی، از محیط حیوانات یا محیط سیاره‌های دیگر سخن راند. (حقوق زیست محیطی بشر، ۱۳۸۹: ۳۸) الکساندر کیس معتقد است «اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده، اطلاق کرد». (کیس، ۱۳۷۹: ۵) در قوانین و مقررات داخلی تعریف مشخصی از حقوق محیط زیست وجود ندارد. اگرچه قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب سال ۱۳۵۳)، به وظایف سازمان محیط زیست در امر حفاظت و بهسازی محیط زیست اشاره داشته و حتی در ماده ۹ به تعریف آلودگی^۱ پرداخته اما تعریفی از محیط زیست ارائه نداده است.^۲

گفتار دوم: رابطه حقوق بشر با حفاظت از محیط زیست

با تعریفی که از حقوق بشر و محیط زیست در گفتار پیشین ارائه شد، سؤال اصلی این است که آیا بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست پیوندی نیز وجود دارد و این دو تکمیل‌کننده یکدیگرند یا اینکه بین این دو رابطه مستقیمی وجود ندارد و حتی بالعکس در تقابل با یکدیگرند. به عبارت دیگر آیا حفاظت از محیط زیست در راستای تحقق حقوق بشر است یا حفاظت از محیط زیست در جهت مخالف مباحث حقوق بشر است و هدف آن محروم نمودن انسان از مواهب طبیعی است. اگرچه شاید در ابتدای طرح مباحث حقوق بشری در اسناد بین‌المللی، مؤلفه محیط زیست و طبیعت نمود بارزی نداشته است اما توجه به محیط زیست و منابع طبیعی از همان ابتدا هم پیش شرط تمتع از دیگر حقوق بوده و بدون در نظر گرفتن محیط زیست انسانی و طبیعی دسترسی به دیگر حقوق بشر با مشکل مواجه خواهد شد. ضمن آن‌که با بررسی برخی از مصادیق حقوق بشر (همانند حق حیات و نیازهای اولیه برای حیات، حق بر سلامت) پی به این امر خواهیم برد که تحقق کامل و دقیق آن‌ها خود مستلزم این است که محیط زیست سالم به عنوان مؤلفه‌ای اساسی توجه گردد. لذا اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی با عنوان اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) درباره محیط زیست، درباره پیوند حقوق بشر و حقوق محیط زیست این‌طور بیان می‌دارد که: «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را به عهده دارد». مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ اعلام داشت که «تمامی افراد مستحق زندگی در یک محیط مناسب برای داشتن سلامت و رفاه، می‌باشند»^۳ و نهایتاً اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در اصل یکم خود اشاره داشته که: «انسان در مرکز توجهات توسعه پایدار است و آن‌ها حق دارند از زندگی سالم و مولد، هماهنگ با طبیعت، بهره‌مند باشند».^۴ مطابق این اسناد، بشر حق آمیخته با تکلیفی را به منظور استفاده از محیط زیست دارد و حمایت قانونی از حقوق بشر به گونه‌ای فزاینده، ابزاری در جهت نیل به حفاظت محیط زیست است. (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

۱- رویکردهای متنوع به حفاظت از محیط زیست

۱-۱- رویکرد انسان محور (Human-centered approach)

در رویکرد انسان محوره^۵ حفاظت از محیط زیست بایستی در جهت حفظ منافع انسانی صورت گیرد. عمده توجه این رویکرد بر بقای نوع انسان و نیازهای او، استانداردهای زندگی و حیات انسان (در مقابل دیگر گونه‌های جاندار یا بی‌جان در محیط) است و اگر صحبتی از حفاظت از محیط زیست به میان می‌آید صرفاً برای تأمین این مؤلفه‌هاست و در نتیجه اگر تخریب محیط زیست بر این مؤلفه‌ها اثر سوئی نداشته باشد، از دید این رویکرد مجاز تلقی می‌شود. به عبارت رساتر، از دید این رویکرد هر آنچه که در طبیعت برای انسان سودمند و دارای بهره و ارزش اقتصادی است بایستی محافظت و صیانت گردد. «در نظریه انسان محوری، حقوق محیط زیست بشر گویای این ایده است که محیط زیست و منابع طبیعی فقط بر منافع و انتفاع بشر متکی است و به خودی خود فاقد ارزش ذاتی است. در این نظریه، انسان از وضعیتی برتر، مقدم و مهم برخوردار است و او را از سایر گونه‌های طبیعی متمایز و مجزا می‌سازد و به طور اخص اهداف و ضوابط معموله انسان را در محور قرار داده و حفظ محیط زیست را در جهت نیازهای بشری می‌داند نه ضروریات و نیازهای سایر گونه‌ها». (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۸) هم‌چنین در این رویکرد هدف از حفاظت محیط زیست نه برای «محیط زیست» بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. این شخص انسان است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی است هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مسأله محیط زیست قوی است. به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود محیط زیست انسانی از اولویت نیز برخوردار است». (فهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۱) مراد از ارزش ابزاری برای محیط زیست آن است که ارزش محیط زیست متغیر و کاملاً وابسته به ارزشی است که انسان برای آن قائل است. از منظر اقتصاد محیط زیست، محیط طبیعی ارزشی ابزاری دارد. یعنی تا آنجا حفاظت از محیط زیست اهمیت دارد که برای نوع بشر مفید باشد. «در این رویکرد جنبه‌های زیبا شناختی، مذهبی و شناخت‌شناسانه طبیعت فراموش می‌شود. چراکه این جنبه‌ها به هیچ‌وجه ارزش مادی و پولی ندارند. در تقویت و گسترش این مفهوم جریان‌های تاریخی و فلسفی غرب تأثیر بسیار عمیق نهاده‌اند که در رأس آن‌ها می‌توان به جریان‌های امانیستی و اگزیستانسیالیستی و اندیشه‌های «سودانگاران» قرون گذشته و نفوذ آن‌ها به مسائل محیط زیست اشاره نمود». (فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۹۹)

۱-۲- رویکرد طبیعت محور (Environment-centered approach)

سؤالی که طرفداران این رویکرد همواره مطرح می‌کنند این است که آیا با رویکرد انسان محور می‌توان از حقوق محیط زیست به نحو صحیح صیانت نمود و آیا از دیدگاه حقوق بشری که قاعدتاً انسان محور است می‌توان به پاسداشت ارزش‌های محیط زیستی نگریست؟ دیدگاه طبیعت محور^۶ به محیط زیست، به عنوان یک کالا نمی‌نگرد بلکه آن را دارای ارزش ذاتی می‌داند که «دارای ارزش ابزاری نیست که پیرو انتفاع بشر از آن مورد ارزیابی قرار گیرد». (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۶) از دید این رویکرد همیشه این حقوق اجتماع نیست که آزادی فردی را محدود می‌کند بلکه ملاحظات اکولوژیکی و محیط زیستی نیز بایستی در محدودیت آزادی فردی هم لحاظ شود. همان‌طور که ذکر شد در رویکرد طبیعت محور، محیط زیست به معنای اعم خود، ارزش ذاتی دارد و به هیچ وجه انسان و مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست، بلکه طبیعت فی نفسه و به خودی خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن و می‌داند که هر دو حوزه محیط زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم. (فهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۰) از دید این رویکرد اغلب قوانین و مقررات محیط زیستی جنبه انسان محوری دارند و خواستار آن هستند که رویکرد طبیعت محوری جایگزین رویکرد انسان محوری در مقررات داخلی یا بین‌المللی گردد. طرفداران این رویکرد ممکن است تا آن‌جا به طبیعت بها دهند که برای بشر حق قابل توجه‌ای در طبیعت قائل نشوند.

۱-۳- رویکرد خالق محور^۷

در این رویکرد سعی بر آن است که به رابطه انسان با خالق^۸ توجه شود و برای آشتی دادن انسان با طبیعت به آموزه‌ها و اعتقادات دینی تمسک شود. مطابق این رویکرد انسان و طبیعت هر دو مخلوق خداوند هستند. (Hoffman, 2004: 7) در دین حنیف الهی که در طول تاریخ به منهج‌ها و شریعت‌های متنوع برای انبیای الهی تجلی می‌یافت، شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی برای سالم سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به شمار می‌آید؛ تا نشاط جامعه همراه با سلامت آن و خرمی افراد، همراه با صحت آنان تضمین شود. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۸۴) در این رویکرد اگرچه انسان در مقابل یکدیگر دارای مالکیت خصوصی هستند اما در مقابل خداوند مالک نیست بلکه انسان در تسخیر طبیعت به منزله امین در نگهداری و نایب در تصرف است. یعنی رعایت حق زمین، آب، هوا، خاک، دریا،

صحرا، کوه و دشت، گیاهان و حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست محیطی که ارتباط با حیات جامعه دارند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۹) در نتیجه همان‌طور که انسان در محیط اجتماعی به ارزش ذاتی افراد هم نوع خود احترام می‌گذارد باید ارزش ذاتی سایر موجودات طبیعی (از جمله حیوانات، گیاهان و اکوسیستم‌ها) را نیز محترم بشمارد. به عقیده طرفداران این رویکرد، دوری از خداوند و غفلت در مورد جایگاه انسان در زمین و انسان‌شناسی عامل اصلی تخریب محیط زیست است. به تعبیر بهتر «بحران محیط زیستی، تبلور خارجی بیماری و رنجی درونی است که انسان مدرن را به ستوه در آورده است؛ انسانی که برای به دست آوردن زمین از آسمان روی گردانید و به جای آسمان به زمین اصالت داد، اکنون زمین را هم دقیقاً به دلیل نداشتن آسمان از دست می‌دهد.» (نصر، ۱۳۷۸: ۸۸-۸۹) براساس این رویکرد اگر کسی خویشتن خود را درست تفسیر کند و آن را بشناسد، به عنوان «خلیفه الله» با مهربانی با جامعه سخن می‌گوید و هیچ‌گاه محیط زیست را آلوده نمی‌کند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۷۵) اگرچه برخی به این دیدگاه ایراد انسان محور بودن را گرفته‌اند اما انسان به دلیل مسئولیتی که در قبال خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد چراکه از دید این رویکرد جهان هستی مخلوق خدا و از آن خدا است و تخریب آن نوعی مسئولیت در مقابل خالق محسوب میشود و چون ارزش ذاتی در جهان هستی متعلق به خدا است ارزش سایر مخلوقات بر این مبنا تعریف می‌شوند و از این رو تمامی اجزای طبیعت به دلیل این ارتباط از ارزش برخوردار می‌شوند و انسان موظف است تا از آنها مراقبت نماید. (عابدی سروسستانی، ۱۳۸۶: ۶۵)

۱-۴- رویکرد جامع نگر (کل نگر)

برای یافتن راه حل مناسب و انتخاب رویکرد صحیح به ناچار بایستی در فلسفه حقوق محیط زیست تأملی داشته باشیم. چراکه هر کدام از رویکردهای انسان محور و طبیعت محور از دل فلسفه جداگانه‌ای خارج می‌شوند و فهم دقیق فلسفه محیط زیست برای انتخاب راه‌حل مناسب راهگشا است. در فلسفه حقوق محیط زیست محور این سؤال بحث می‌شود که چرا باید از محیط زیست محافظت کنیم و مبنای این محافظت در چیست. در حقیقت فلسفه حقوق محیط زیست عبارت است از «نگاه کلی بر چرایی بایدها و نبایدهای متوجه اعضای حقیقی و حقوقی جامعه در خصوص رعایت مقررات مربوط به هم پیوسته از عوامل بیرونی که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است.» (فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) در تعامل میان دو ارزش ذاتی و ارزش

ابزاری در فلسفه محیط زیست نظرات بینابینی نیز ارائه شده‌اند که یکی از آن‌ها تفکر «کل نگر» می‌باشد که میان ارزش‌های طبیعت و منافع انسانی تعادل برقرار می‌نماید. بدین معنا که در روابط میان انسان و محیط زیست نمی‌توان صرفاً به منافع یکی به جای دیگری اندیشید و مطابق آن جایگاه انسان در طبیعت عنوان مدیر دارد و نه مالک. (فهیمی، ۱۳۸۸: ۲۱۱) این رویکرد ضمن اعتراف به تفاوت و اختلاف بین حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر، معتقد است که هم‌پوشانی‌های بین اهداف این دو مؤلفه وجود دارد. از دید این رویکرد اختلاف و تقابلی جدی بین حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر وجود ندارد، چراکه انسان هم جزئی از اکوسیستم است و حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را تا حدی دارد که باعث خسارات جبران‌ناپذیر نگردد، ضمن آنکه متعهد است حقوق دیگر گونه‌ها زیستی و غیرزیستی حفظ گردد. در این رویکرد بشر تنها موجود روی زمین نیست ولی جز انسان هم موجودی که دارای شعور باشد و توانایی حفاظت از محیط زیست داشته باشد نیز وجود ندارد، در نتیجه، انسان به عنوان یک مدیر بایستی به حفاظت از محیط زیست بپردازد چه برای او فایده داشته باشد و چه عملاً بهره‌ای نباشد. به عبارت دیگر به اعتقاد اینان انسان تافته جدا بافته نیست و حقوق و تکالیف وی جدا از حفاظت محیط زیستی نیست. این رویکرد به دنبال حفاظت از محیط زیست از طریق حقوق بشر و تأمین حقوق بشر از طریق حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در این رویکرد به منظور ایجاد پیوند بین این دو مؤلفه، پیشنهادهای متعددی ارائه شده است. «مورد اول اینکه می‌توان از طریق حق‌های بشری همانند حق حیات، حق بر سلامت و غذا، سعی در حفاظت از محیط زیست داشت چرا که پیش شرط بهره‌مندی از این حقوق، داشتن محیط زیستی سالم است. مورد دیگر پیشنهاد مجموعه‌ای از حقوق محیط زیستی (که در این پژوهش از آن به عنوان حق بر محیط زیست از آن یاد می‌کنیم) است که دارای صبغه حقوق بشر هستند همانند حق بر اطلاعات محیط زیستی. مورد اخیر نیز بررسی «حق بر محیط زیست» در ذیل تقسیم‌بندی‌های حقوق بشر است. (Shelton, 1992: 105)

اگرچه این رویکرد بر همپوشانی‌های حقوق بشر و حقوق محیط زیست بنا شده است اما حقوق بشر سعی در تأمین حقوق نسل حاضر از بشر است و حقوق محیط زیست عمدتاً در پی حفظ نسل آینده بشر می‌باشد. مطابق حقوق محیط زیست، نسل حاضر حق استفاده و بهره‌مندی از منابع کره زمین و منابع فضای ماورای جو را دارد اما استفاده از این حق باید مطابق با مقررات و با در نظر گرفتن تأثیر بلندمدت فعالیت‌های ایشان و حفظ منابع اصلی و محیط زیست جهانی برای انتفاع نسل‌های آینده بشر صورت پذیرد.

در حقیقت این تعریف بیانگر رعایت انصاف در استفاده از منابع است. در شناخت این مفهوم باید در ابتدا بین انصاف بین نسلی و انصاف درون نسلی تفکیک قائل شد. اصل انصاف بین نسلی مفهومی ارزشی است که بر حقوق نسل‌های آتی و در نتیجه پایداری اکولوژیک توجه دارد. (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۷۴) این مفهوم خود ریشه در سه اصل دارد. اول اینکه هر نسل ملزم به حفاظت از تنوع طبیعی و فرهنگی منابعی است که از نسل گذشته به ارث برده است به نحوی که این نسل نباید گزینه‌های در اختیار نسل‌های آتی را برای حل مسائل و رفع نیارهای‌شان را به طور ناروایی محدود کند. این اصل را «اصل حفاظت از گزینه‌ها» می‌نامند. دوم، هر نسل ملزم به نگهداری کیفیت سیاره زمین به گونه‌ای که آن را از نسل قبلی به ارث برده است، می‌باشد. این اصل را «اصل حفاظت» از کیفیت می‌نامند و سوم اینکه هر نسل باید حق دسترسی منصفانه اعضای خود را نسبت به میراث نسل گذشته فراهم کرده و این حق دسترسی را برای آتی نیز حفظ نماید. این اصل را «اصل حفاظت از دسترسی» نامیده‌اند. انصاف درون نسلی اصول سه‌گانه را در رابطه با اعضای نسل حاضر طلب می‌کند. توضیح آن که این اصل حکم می‌کند که در حفاظت از محیط زیست به مناطق بیشتر آسیب دیده یا مستعد چنین آسیب‌هایی توجه بیشتر شود. (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۷۴)

گفتار سوم: حقوق محیط زیستی بشر

طرح مباحث حقوق بشر در اسناد بین‌المللی (اعم از اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، معاهدات و ...) بر حقوق بین‌الملل تأثیر گذاشته و می‌توان ادعا نمود که در چند دهه اخیر، حقوق بشر جنبه بین‌المللی به خود گرفته و حتی بر برخی از موضوع‌های حقوق بین‌الملل همانند محدودیت حاکمیت دولت‌ها، شکل‌گیری جامعه جهانی و ارزش‌ها و منافع مشترک جهانی تأثیرگذار بوده است. بی‌شک در این بین، این حقوق بشر دارای جنبه‌های محیط زیستی نیز بوده است. براساس تحولات تاریخی و پویای عملی در حوزه حقوق بشر، تاکنون سه دسته یا نسل از حقوق به رسمیت شناخته شده است. لذا برخی متخصصین در حقوق بشر در پرتو تحولات وسیع اقتصادی و فنی که ملل متحد در حال حاضر در آن مشارکت دارد پیشنهاد نموده‌اند که حقوق و آزادی‌های بشر را در سه مجموعه بزرگ طبقه‌بندی نمایم. (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۰) به کارگیری اصطلاح «نسل» القاء‌کننده تحول تاریخی در به رسمیت شناختن و تهیه و تدوین برخی اصول و مبانی حقوق بشر در جهتی معین و خاص است. البته برخی از نویسندگان به جای واژه «نسل» از واژه «دسته»،

«طبقه»، «خانواده» و «گروه» برای مقولات حقوق بشر استفاده کرده‌اند. ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که استفاده از واژه «نسل» در مورد مقولات حقوق بشر، به معنی این نیست که عمر یک سری از مقولات به سر آمده و مقوله‌ی دیگری جای آن را گرفته است، بلکه واژه ای نسل، صرفاً بیانگر تحول تاریخی در شناسایی مقولات حقوق بشر در موضوعات مختلف است. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۴۴)

۱- نسل‌های حقوق بشر

نخستین نسل حقوق بشر شامل حقوق مدنی و اجتماعی می‌شود و این حقوق اساساً مربوط به آزادی‌های بزرگی هم‌چون آزادی عقیده، کرامت ذاتی انسان، حق حیات، ممنوعیت شکنجه، رفع تبعیضات ناروا، منع برده‌داری و تجارت بردگان، حق آزادی بیان، آزادی اجتماع و مشارکت می‌باشد. ویژگی این نسل از حقوق بشر یعنی حقوق آزادی‌ها، اقامه‌پذیر بودن آن نسبت به دولت است. (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۳۴۵) نسل دوم حقوق بشر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این حقوق به اصطلاح «حق بر» در مفاد اعلامیه مطرح شده است که از جمله آن می‌توان به حق بر تأمین اجتماعی، حق بر کار، حق برداشتن حداقل رفاه در زندگی، حق بر آموزش و حق حفاظت از محصولات علمی (حق مالکیت فکری و معنوی)، اشاره نمود. ویژگی این حقوق نیز قابل مطالبه بودن آن‌ها از دولت است یعنی دولت برای ایفای دین و وظیفه خود باید اقدام نماید. (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۳۴۵) در حقیقت هدف اصلی این حقوق استقرار برابر وحدت اجتماعی و هدف غایی آن را نیل به نفع عمومی (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۹) می‌باشد. روند رو به رشد گسترش انسانی شدن، بین‌المللی شدن، اجتماعی شدن و اخلاقی شدن حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و نیز کاستی‌های نسل اول و دوم، موجب ظهور نسل سوم حقوق بشر شده است. در واقع می‌توان نسل سوم را آمیزه‌ای از حقوق جدید با حقوق رایج در نسل‌های اول و دوم دانست. لذا نسل سوم حقوق بشر و یا به عبارتی دیگر حقوق همبستگی مشتمل بر هفت دسته حقوق است. برخی از نویسندگان نسل سوم حقوق بشر را به دو دسته تقسیم نموده‌اند که دسته اول شامل: حق تعیین سرنوشت، حق بر توسعه و بهره‌برداری از میراث مشترک بشریت می‌باشد. این نویسندگان بر این عقیده‌اند که حقوق مطرح شده در این گروه در پی مبارزات استقلال‌طلبانه و توقعات کشورهای جهان سوم مبنی بر تقاضا برای باز توزیع جهانی قدرت، ثروت و سایر ارزش‌ها و قابلیت‌های مهم پدیدار شده‌اند و از همین رو این حقوق از طرفی از سوی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه حمایت می‌شوند و مورد ادعا می‌باشد و از سوی دیگر دول صنعتی و پیشرفته

غرب به راحتی بر آن صحنه نمی‌گذارند و به طور کلی این حقوق امروزه به طور کمال به ثبوت نرسیده‌اند و مورد نزاع و چالش در عرصه بین‌المللی واقع شده است. دسته دوم این نسل شامل: حق بر محیط زیست سالم و پایدار، حق دریافت کمک‌های بشردوستانه و نیز حق ارتباطات می‌باشد. بر مبنای عقیده این نویسندگان این دسته از حقوق از جمله اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است چرا که محتوی آن می‌تواند همواره به عنوان آرزویی برای هر فرد بشری مطرح باشد. (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۹) در مقایسه با دو نسل قبلی حقوق بشر، خصوصیت «حقوق همبستگی» این است که این حقوق در عین حال هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت هستند و مهم‌تر آن‌که بدون الحاق و اتفاق توانایی‌ها و کوشش‌های همه (دولت‌ها، افراد، اشخاص حقوقی خصوصی و عمومی) تحقق آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۳۴۵) ضمن آن‌که حقوق نسل سوم برخلاف دو نسل قبلی هنوز به صورت اسناد حقوقی قراردادی در نیامده و تاکنون نتوانسته از اعتبار حقوقی الزام‌آور به نحو مشابه با نسل‌های اول و دوم برخوردار گردد. در واقع برخلاف میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و سپس به صورت معاهده‌ای بین‌المللی درآمد. (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۴)

۲- حق بر محیط زیست سالم

حق بشر بر محیط زیست سالم بیش از چند دهه است که مطرح شده و هم اکنون می‌توان به آن به عنوان یک حق اصیل نگریست. (Bosselman, 2005: 2) معمولاً در مباحث و ادبیات حقوقی، حق بر محیط زیست به عنوان مصداقی از حقوق همبستگی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته.^۹ اما برخی از حقوق محیط زیستی به نوعی در نسل‌های اول و دوم نیز وجود دارد که نقض آن باعث نقض آن حقوق می‌شود. حتی در برخی موارد، گستره‌ی اعمال حقوق مذکور به مراعات حق بر محیط زیست منوط و محدود می‌شود. حق بر بهداشت، حق مالکیت، حق کار در محیط مناسب و احترام به حقوق فرهنگی اقلیت‌ها از جمله حقوق بشری هستند که از ابعاد زیست محیطی برخوردارند. (میرزاده، ۱۳۹۲: ۴۷) هم‌چنین می‌توان به حق بر اطلاعات محیط زیستی و دسترسی به عدالت قضایی در امور محیط زیستی که جزء نسل اول حقوق بشر محسوب می‌شوند و ماهیتی انسان محور دارند تا طبیعت محور، چرا که این حقوق به دنبال آگاه‌سازی بشر از حقوق محیط زیستی خود است. (Boyle, 2008: 471-472) به هر حال در پرداختن به حق بر محیط زیست بایستی بدانیم که حقوق محیط زیستی به چه معناست و قلمرو آن تا

کجا ادامه دارد. در ادامه سعی خواهد شد تا حد ممکن به این سؤال پرداخته شود تا فهم صحیح‌تری از حق بر محیط زیست داشته باشیم.

۱-۲- حقوق محیط زیستی

اصطلاح «حقوق محیط زیستی» دارای معناى گوناگونی است. اگر همانند حقوق بشر به تعریف آن پردازیم بایستی گفت که حقوق محیط زیست یعنی آن دسته از حقوقی که برای محیط زیست بما هو محیط زیست وجود دارد. این تعریف موافق میل طرفداران انسان محوری در محیط زیست و آن دسته که طبیعت و منابع آن را در خدمت بشر می‌خواهند، نمی‌باشد. تعریف دیگری که می‌توان از مفهوم حقوق محیط زیستی ارائه داد آن دسته از حقوق و تکالیفی که برای بشر نسبت به محیط زیست وجود دارد که نهایتاً منجر به حفاظت و صیانت از محیط زیست می‌شود. آنچه که در تعریف اخیر ملاک است نگاهداشت و بهبود وضعیت محیط زیست و زیبایی‌های آن برای نسل حاضر و نسل‌های بعدی موجودات. البته مطابق تعریف اخیر، حقوق محیط زیستی، جزو حق‌های حقوق بشری محسوب می‌شود و لذا تأمین و تضمین اجرای آن مستلزم وجود شرایطی است که برخی از آن‌ها به صورت ماهوی و برخی دیگر به صورت شکلی بایستی وجود داشته باشند تا حقوق محیط زیستی معنای کامل خود را ایفا نماید. لذا مراد از حق بر محیط زیست همین حقوق محیط زیستی است که آمیخته با حقوق و تکالیف برای بشر نسبت به محیط زیست است. حق بر محیط زیست به عنوان حقوق بشر در شرایط حاضر توسعه‌یافته‌ترین بخش حقوق همبستگی می‌باشد و بر دیگر حقوق همبستگی پیشی گرفته است. (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۶) یکی از ویژگی‌های حق بر محیط زیست، ایجاد حق و تکلیف برای همه است، بدین معنا که هم دولت‌ها محق و متعهدند و هم اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی دارای حقوق و تکالیف می‌باشند.

۲-۲- جنبه‌های حق بر محیط زیست

همان‌طور که بیان شد برای داشتن محیط زیست سالم که نوعی حق و تکلیف برای بشر محسوب می‌شود، لازم است که شرایطی وجود داشته باشد که به تحقق این حقوق کمک نماید. این شرایط ممکن است جنبه ماهوی داشته باشند و یا جنبه شکلی که در این پژوهش از آن با عنوان جنبه‌های ماهوی و شکلی حق بر محیط زیست^۱ یاد شده است.

۱-۲-۲- جنبه‌های ماهوی حق بر محیط زیست

مراد از جنبه‌های ماهوی حق بر محیط زیست آن دسته از حقوقی هستند که بشر نسبت

به محیط زیست خود دارد که معمولاً با وصف سالم بودن تعریف می‌شود. برخی از نویسندگان معتقدند که منظور از این نوع حقوق بشر، «حق برخورداری از محیط زیست شایسته، سالم و امن» است. (Kiss, 2004) برخی دیگر ضمن بیان حق بر محیط زیست، به مواردی هم‌چون آب و هوای پاکیزه و حداقلی از استاندارد سلامتی اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر، آنچه حق بر محیط زیست در پی آن است، این است که انسان‌ها حق دارند که محیط زیست آن‌ها از شرایط مناسب برای زندگی سعادت‌مندانه توأم با امنیت و سلامت برخوردار باشد. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۳) این حقوق عمدتاً پیرامون داشتن حق بر هوای پاکیزه و سالم، آب آشامیدنی سالم، خاک و منابع زمینی پاکیزه، محیطی آرام و حق بر مناظر طبیعی زیبا و سالم می‌باشد. وجه مشترک تمامی این حقوق آن است که همگی آن‌ها در معرض انواع آلودگی هستند که عدم محافظت و صیانت از آن‌ها می‌تواند علاوه بر اثرات سوء و نامطلوب بر روی سلامتی جسم و جان و حیات انسانی، حیات و سلامتی دیگر موجودات را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اغلب این آلودگی‌ها بر اثر دخالت‌ها انسانی در طبیعت به وجود می‌آید. پیتر سینگر، در کتاب خود با عنوان «یک جهان اخلاق جهانی شدن» در باب آلودگی جوی، مثال جالبی را به منظور بیان شدت تخریب اتمسفر زمین ناشی از گازهای گلخانه‌ای ذکر نموده است. وی در بیان این امر می‌گوید «تصور کنید که ما در دهکده‌ای زندگی می‌کنیم که همه (مردم)، مواد زائد خود را در چاه فاضلاب عظیمی می‌ریزند. مصرف برخی بالاست و لذا مواد زائد بیشتری نسبت به دیگر افراد تولید می‌کنند. ظرفیت چاه مزبور برای جذب مواد زائد چندان بالاست که وقتی مواد زائد را در چاه میریزیم "به اندازه کافی و به همان کیفیت" از ظرفیت آن را برای دیگران باقی گذاشته‌ایم. اما اگر ظرفیت این چاه برای دور ریختن مواد زائد به پایان رسد و در اثر استفاده زیاد در شرف سرریز شدن باشد مشکلات متعددی به وجود می‌آید. در این حالت با اینکه این چاه در واقع متعلق به همه است، اما اینکه ما بدون هیچ محدودیتی از آن استفاده کنیم باعث می‌شود دیگران از حق استفاده خود محروم شوند. در حقیقت دیگر نمی‌توانیم استفاده از این منبع طبیعی را با این ادعا که "به اندازه کافی و با همان کیفیت" برای دیگران باقی گذاشته‌ایم، توجیه کنیم». (سینگر، ۱۳۸۸: ۶۶) در حقیقت هدف نویسنده از ذکر این مثال، تشبیه فضای کنونی آلودگی زمین به همان چاه فاضلابی است که پُر شده است و علت اصلی آن نیز همان افرادی بوده‌اند که مصرف بالای داشته‌اند. بایستی گفت اغلب کشورها در مقوله پیشرفت و توسعه به پایدار بودن آن توجه جدی ندارند. توجه حقوق بین‌الملل به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در اجرای قواعد حقوق محیط

زیست، موجب شده محیط زیست به عنوان بخشی مهم از فرایند توسعه پایدار درآید و تأکید بیشتری بر لزوم هماهنگی «توسعه و محیط زیست» در میان اسناد و بیانیه‌های سازمان ملل متحد شود. اگرچه مفهوم توسعه پایدار دارای تعریف گوناگونی است، شاید بهترین تعریف همان تعریف صورت گرفته در گزارش آینده مشترک ما توسط خانم پروتلند باشد. برابر این تعریف «توسعه پایدار یعنی قابلیت بشر برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بی آنکه به حق و توان نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای‌شان آسیب رسد» (دبیری، ۱۳۸۸: ۲۲۵) از این رو، این تعریف نسل حاضر حق استفاده و بهره‌مندی از منابع کره زمین و منابع فضای ماورای جو را دارد اما استفاده از این حق باید مطابق با مقررات و با در نظر گرفتن تأثیر بلندمدت فعالیت‌های ایشان و حفظ منابع اصلی و محیط زیست جهانی برای انتفاع نسل‌های آینده بشر صورت پذیرد. البته لازم به یادآوری است در اعلامیه ریو (۱۹۹۲) پیرامون محیط زیست و توسعه، در اصول ۳ و ۴ خود، به حق بر توسعه اشاره و بیان داشته که برای دستیابی به توسعه پایدار، فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط زیست باشد و نمی‌تواند مجزا باشد. سند پایانی اجلاس ریو به علاوه ۲۰ نیز در سال ۲۰۱۲ نیز در فصل چهارم گزارش «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»، از کشورهای شرکت‌کننده خواست تا به ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار یعنی حفاظت از محیط زیست، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی توجه داشته باشند و از طریق اقدامات سیاسی، نهادهای غیردولتی و اقدامات منطقه و محلی در تحقق این ابعاد سه‌گانه تلاش ورزند.^{۱۱} برابر این سند توسعه پایدار صرفاً به معنای رشد اقتصادی نیست بلکه در کنار توسعه اقتصادی بایستی به توسعه محیط زیست و توسعه اجتماعی توجه شود و این سه مورد اجزای لاینفک توسعه پایدار است. تقریباً هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی و قواعد و مقرراتی برای جلوگیری از آلودگی و بهبود وضعیت محیط زیست وجود دارد که هم افراد و هم دولت‌ها را متعهد بر این امر نموده است تا به حقوق ماهوی حق بر محیط زیست بشر خللی وارد نگردد.

۲-۲-۲. جنبه‌های شکلی حق بر محیط زیست

منظور از حقوق شکلی حق بر محیط زیست آن دسته از حقوقی محیط زیستی است که الزاماً آلودگی و تخریب آن‌ها را تهدید نمی‌کند بلکه ممکن است از جانب دولت‌ها رعایت نگردد و زمینه نقض آن‌ها را به وجود آورد که جنبه رویه‌ای و شکلی دارند. در ادامه به بررسی اجمالی آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف) حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی

واضح است که بدون وجود و دسترسی به اطلاعات محیط زیستی، مدیریت و حفاظت از محیط زیست امری محال است. بدیهی است حق برخورداری از اطلاعات در رابطه با محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند، یکی از حقوق اصلی و لازم و برای ادامه زندگی سالم است. در حقیقت بهره‌مند شدن از اطلاعات محیط زیستی به داشتن محیط زیست سالم کمک می‌کند. در میان حقوق بنیادین، حق دسترسی به اطلاعات از حقوق نو به شمار می‌رود. «مبنای حقوقی آزادی اطلاعات در سه خصوصیت مردمی بودن اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و رویکردهای اعتقادی گنجانده می‌شود. از نظر حقوقی در جامعه مردم سالار، تمامی اقتدار دولتی حکومت و اطلاعات آن متعلق به شهروندان است. همان‌گونه هر مالکی حق دارد به دارایی خود دسترسی داشته باشد و از کم و کیف آن مطلع شود، مردم نیز حق دارند هر زمان که اراده کنند به اطلاعات موجود در نهادهای دولتی دست یابند». (بابایی، ۱۳۹۰: ۵۰) در کنار اسنادی هم‌چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۹)، میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی (ماده ۱۹) که به آزادی اطلاعات اشاره داشته‌اند بایستی به کنوانسیون منطقه‌ای آرهاس (۱۹۹۸) در مورد دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در امور محیط زیستی^{۱۲} یاد کرد که مهم‌ترین سند موجود درباره دسترسی به اطلاعات محیط زیستی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها است. مطابق این کنوانسیون هر شخصی (حقیقی یا حقوقی) حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی^{۱۳} را دارد. این اطلاعات نه تنها شامل وضعیت محیط زیست، بلکه شامل سیاست‌ها یا اقداماتی که می‌تواند بر سلامت انسانی و محیط زیست تأثیرگذار باشد نیز می‌شود. (<http://ec.europa.eu/environment/aarhus/>) مطابق سازوکار پیش‌بینی شده در این کنوانسیون دسترسی به اطلاعات محیطی زیستی به دو شکل فعال و منفعل امکان‌پذیر است. دسترسی منفعل به اطلاعات محیط زیستی به آن معنی است که نهادهای دولتی بایستی به درخواست‌های اشخاص یا سازمان‌های غیردولتی پاسخ دهند و اطلاعات زیست محیطی را در اختیار آن‌ها قرار دهند (ماده ۴) و مطابق دسترسی فعال به اطلاعات محیطی زیستی، مقامات عمومی بایستی اطلاعات زیست محیطی، لیست‌های کاربردی، دفاتر ثبت یا فایل‌ها، بانک‌های اطلاعات الکترونیکی، گزارش‌های ملی و سیستم انتشار آلاینده‌ها و ثبت انتقال آلاینده‌ها از اشخاص خصوصی یا دیگر تأسیسات مربوطه را در اختیار داشته باشند و به روز نمایند و انتشار دهند (ماده ۵) البته این دسترسی به اطلاعات مطلق نیست و دارای پاره‌ای از استثنائات است.

ب) مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات محیط زیستی

مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی به معنی دعوت از عموم اعضای جامعه و دیگر علاقه‌مندان هم‌چون سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در تدوین و اجرای این تصمیمات و سیاست‌ها است. جامعه‌ای که برای محیط زیستش ارزش قائل هست در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی مقررات محیط زیستی خود هم کوشا است و به عبارت بهتر «ارزش‌گذاری ذاتی محیط زیست ناشی از بلوغ سیاسی اجتماع و تعقل نظام حاکمیتی است و بالطبع بازخوردی از خواست عمومی در جامعه‌ای است که نگاه آن به حفاظت از محیط زیست واقعی است. در جوامعی که داشتن محیط زیست سالم جزو حقوق شهروندی محسوب می‌شود، نهاد قانون‌گذاری در تدوین قوانین محیط زیستی و نظارت بر اجرای آن قوی‌تر عمل می‌کند چرا که محیط زیست دغدغه اجتماعی به شمار می‌رود» (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۲۲۶)

ج) حق عدالت‌خواهی زیست محیطی

به طور کلی یکی از عناصر برای هر قاعده حقوقی وجود ضمانت اجرا می‌باشد تا در صورتی که آن قاعده مورد نقض واقع شد بتوان الزام به اجرای آن را تأمین و تضمین نماید. بر همین اساس نیز در مقررات حقوق بشر و محیط زیست، حق برخورداری از جبران خسارت به گونه‌ای مؤثر بنیان نهاده شده است. در اسناد مختلف بین‌المللی بر این نکته تأکید شده که انسان‌ها حق دارند به مراجع قضایی و اداری در امور زیست محیطی دسترسی داشته باشند. قاعدتاً این حق محدود به اتباع و شهروندان یک دولت نیست چراکه ممکن است آلودگی جنبه فرامرزی داشته باشد.

د) حق بر آموزش‌های محیط زیستی

یکی از اصلی‌ترین علل تخریب و آلودگی محیط زیست، عدم آگاهی مردم نسبت به مسائل محیط زیستی است، به طوری که بدون افزایش سطح آگاهی‌های مردم در زمینه حفاظت از محیط زیست، نمی‌توان امیدی به بهبود وضعیت زیست محیطی داشت. ایجاد آگاهی در میان توده‌های مردم باعث تغییر نگاه ایشان نسبت به محیط زیست و بهبود آن‌ها با محیط زیست می‌گردد. (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۱: ۲۳۶) اصل نوزدهم اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) در بیان این حق اظهار می‌دارد که: «به منظور توسعه مبانی ضروری برای تنویر افکار عمومی و تفهیم مسئولیتی که افراد، مؤسسات و جمعیت‌ها در خصوص حفاظت از محیط زیست در تمام ابعاد انسانی آن بر عهده دارند، لازم است نسل جوان و نیز بزرگسالان، با بذل توجه کافی نسبت به انسان‌هایی که در وضعیت

نامساعدتری قرار دارند تحت آموزش قرار بگیرند». در مقررات داخلی نیز قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹) در ماده ۱۸۹ سازمان حفاظت محیط زیست مکلف کرده است تا در راستای ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار از ابتدای برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی مربوط را با پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط‌زیست به تصویب هیأت‌وزیران برساند. کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، رسانه‌های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی می‌باشند.

۱۴۵

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

واکاوی حق بشر بر محیط زیست
مهرداد محمدی و همکار

نتیجه‌گیری

با تقویت سازوکارهای حمایت از حقوق بشر و گسترش آلودگی‌های زیست محیطی توجه به حفاظت از محیط زیست جدی‌تر شده است. از آنجایی که داشتن محیط زیست سالم پیش شرط تمتع از بسیاری از مصادیق حقوق بشر می‌باشد، حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق‌های بشری مطرح گردیده است. با این حال این گفته به معنای مالکیت بشر بر محیط زیست نیست بلکه بشر در کنار سایر موجودات و رعایت حقوق اولیه آن‌ها، بایستی از محیط زیست بهره برد. در بررسی ماهیت این حق و توجه به رابطه بشر با محیط زیست، رویکردهای مختلفی وجود دارد. رویکرد انسان‌محور به محیط زیست که اصالت را به بشر داده است و برای محیط زیست ارزش ابزاری بیش از منفعت برای انسان قائل نیست. در مقابل رویکرد طبیعت محور اصالت را به طبیعت داده و برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل می‌شود. در کنار این دو رویکرد به محیط زیست، رویکرد سومی تحت عنوان رویکرد جامع‌نگر به دنبال راه‌حلی است که میان انسان‌محوری و طبیعت‌محوری آشتی برقرار سازد تا هم منافع نوع بشر تأمین گردد و هم طبیعت پیرامون حفظ گردد. این رویکرد به تمام موجودات به عنوان اجزای یک مجموعه می‌نگردد که بدون همکاری این اجزا این سیستم و مجموعه فاقد کارایی لازم است. مطابق این رویکرد مطلق تخریب محیط زیست ممنوع نشده است بلکه تخریب غیرقابل جبران محیط زیست ممنوع است، یعنی آن دسته از اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با تخریب غیرقابل جبران محیط زیستی ملازمه پیدا کند ممنوع است. رویکرد دیگری نیز تحت عنوان خالق‌محوری وجود دارد که علاوه بر همان نظرات رویکرد جامع محور معتقد است طبیعت و انسان هر دو مخلوق خداوند هستند و لذا بایستی به آموزه‌های دینی در حفظ محیط زیست توجه ویژه‌ای گردد. به هر صورت تردیدی نیست که بهره‌مندی از محیط زیست سالم، حق مسلم بشریت است، حقی که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و به نسل‌های موجود محدود نمی‌شود. این حق را می‌توان از لابه‌لای اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای و حتی حقوق داخلی برداشت و استنباط نمود. به صورت کلی حق بر محیط زیست دارای دو جنبه ماهوی و شکلی است. جنبه ماهوی این حق را می‌توان به حق بر آب، هوا، خاک، مناظر زیبا طبیعی و بکر، آرامش محیط و ... اشاره کرد و از مهم‌ترین جنبه‌های شکلی حق بر محیط زیست می‌توان به حق بر آموزش‌های محیط زیستی، حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و حق دادرسی برای جبران خسارات محیط زیستی اشاره نمود.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است. منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن به طور زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. تبصره - استعمال سموم به منظور مبارزه با آفات نباتی و جانوران و حشرات موذی با رعایت قوانین و مقررات وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مشمول این ماده نخواهد بود ولی در صورتی که استفاده از سموم برای مقاصد بالا مغایر با بهسازی محیط زیست باشد سازمان ضرورت تجدیدنظر در مقررات مربوط و جایگزینی مواد و طرق دیگری را برای دفع آفات توصیه خواهد نمود.»

۱۴۷

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

مهرداد محمدی و همکار
واکاوی حق بشر بر محیط زیست

۲. تعاریف متعددی از محیط زیست در کتب علمی، موجود می‌باشد. حتی بعضی از نویسندگان ادعا نموده‌اند که نمی‌توان تعریف دقیقی از محیط زیست ارائه داد. دلیل این امر هم آن است که مفهوم محیط زیست از نظر کشورها با توجه به اهمیتی که هر کشور به یکی از عناصر زیست محیطی می‌دهد، می‌تواند متفاوت باشد. اما به هر ترتیب محیط زیست مفهومی است که دارای مصادیقی در جهان خارج است و لذا می‌توان تعریفی مطابق همین واقعیت از آن ارائه کرد. مطابق یکی از تعاریف علمی ارائه شده از محیط زیست «محیط زیست عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبریان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده و غیره». (بنان، غلامعلی، «محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن»، تهران، انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی، ۱۳۵۱: ۵. به نقل از فیروزی مهدی، ۱۷: ۱۷)، برخی دیگر محیط زیست را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «قسمتی از جو یا پوسته زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد، محیط زیست نامیده می‌شود، بنابراین محیط زیست، قسمت کوچکی از جو، هیدروسفر و لیتوسفر را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر، محیط زیست قشر نازکی از هوا، زمین و آب است که همه زندگی را در بردارد» (جنیدی، محمدجواد، «صنایع معدنی و آلودگی محیط»، تهران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، ۱۳۵۲: ۱۴۳. به نقل از فیروزی مهدی: ۱۷). «تمامی عوامل زیستی و غیرزیستی که بر زندگی یک موجود تأثیر می‌گذارد محیط زیست مجموعه پیچیده‌ای از عوامل گوناگون است که یک موجود را در بر گرفته‌اند و نه تنها با این موجود زنده بلکه با یکدیگر نیز برهم‌کنش دارند». (کامکار، بهنام و همکاران، «فرهنگ واژگان کشاورزی پایدار»، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۹: ۷۹.

3. UNGA Resolution 45/94, 14 December 1990

4. Report of UN Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development, 3-14 June 1992: < <http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-1annex1.htm> >

5. Anthropocentric

6. Ecocentrism

7. Theocentrism

۸. بایستی گفت که تمامی ادیان تلقی مشترکی از خالق ندارند به طوری که برخی از مذاهب شرقی مانند هندوئیسم یا بودائیسم طبیعت و اجزای آن را به عنوان خدا در نظر می‌گیرند که از آن می‌توان به «همه خداگرایی» یاد کرد اما ادیان ابراهیمی مانند اسلام، مسیحیت یا یهودیت، به خدای واحدی اعتقاد دارند و از نظر آن‌ها جهان هستی مخلوق خداوند واحد است.

۹. نک: مولایی، یوسف، نسل سوم حقوق بشر و حق بر محیط زیست سالم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶: ۲۹۶-۲۷۳. هم‌چنین، امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴. هم‌چنین، فیروزی، مهدی، حق بر محیط زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴. هم‌چنین، افتخار جهرمی، گودرز حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار، تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۵۰: ۲۷-۷. البته برخی از نویسندگان معتقدند که حق بر محیط زیست در هر سه دسته یا نسل‌های حقوق بشر وجود دارد. برای مثال نک:

Boyle, Alan, Human Rights and the Environment: A Reassessment, Fordham Environmental Law Review, 2008, pp 471-511.

۱۰. برای اطلاع بیشتر از مؤلفه‌های ماهوی و رویه‌ای رجوع کنید به: مشهدی، علی، حق بر محیط زیست (الگوی ایرانی فرانسوی)، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲: ۲۹۴-۲۶۶.

11. For more information see: The Future We Want: Outcome document adopted at Rio+20, para 75-103.:< http://www.un.org/disabilities/documents/rio20_outcome_document_complete.pdf >

12. Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-Making and Access to Justice in Environmental Matters(The Aarhus Convention)

۱۳. مطابق بند ۳ ماده کنوانسیون مزبور اطلاعات محیطی زیستی به معنای هرگونه اطلاعات مکتوب، تصویری، شنیداری، الکترونیک، یا به شکل دیگر در مورد: الف) وضعیت عناصر زیست محیطی، هم‌چون هوا و اتمسفر، آب، خاک، زمین، چشم‌اندازها و سایت‌های طبیعی، تنوع زیستی و اجزای آن شامل ارگانیسم‌های تغییر یافته ژنتیکی و تعامل میان این عناصر؛ ب) عواملی هم‌چون ماده، انرژی، صدا، تشعشع و فعالیت‌ها و اقدامات شامل اقدامات اداری، موافقتنامه‌ها، سیاست‌ها، قانونگذاری، طرح‌ها و برنامه‌های محیطی تأثیرگذار یا احتمالاً موثر بر محیط زیست در حوزه بند الف و هزینه منفعت و دیگر تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی و فروعی که در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی به کار می‌رود؛ ج) وضعیت سلامتی و ایمنی انسان، شرایط زندگی انسان، سایت‌های فرهنگی و ترکیب ساختاری به قدری که ممکن است توسط عناصر محیط زیستی تأثیر پذیرد یا از سریق این عناصر بر فاکتورها و اقدامات بند (ب) تأثیر داشته باشد.

منابع

منابع فارسی:

- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۳)، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵: ۳۲۳-۴۲۶.
- بابایی، محمد علی و نظری، زهرا (۱۳۹۰)، «آزادی اطلاعات: محدودیت‌ها، بایدها و نبایدها»، *فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی*، شماره ۲۷: ۴۷-۷۰.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: نشر اسراء.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *اسلام و محیط زیست*، قم: نشر اسراء.
- حبیبی، محمد حسن (۱۳۸۲)، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۰: ۱۳۱-۱۷۰.
- دبیری، فرهاد و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست با نگاهی به توسعه پایدار»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره یازدهم، شماره سه: ۲۱۳-۲۲۶.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۱)، «بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران: ضرورت و تنگناها»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۵: ۲۳۵-۲۵۸.
- سبحانی‌نیا، محمدتقی (۱۳۸۵)، «طاعت از خدا: حق یا تکلیف»، *نشریه معرفت*، سال پانزدهم، شماره دو: ۴۹-۵۶.
- سینگر، پیتر (۱۳۸۸)، *یک جهان اخلاق جهانی شدن*، ترجمه آزاده، محمد، تهران: نشر نی، چاپ اول.

- شفایی، امان الله (۱۳۸۶)، «کرامت انسانی و حق شهروندی با تکیه بر اصول اسلام و دیدگاه امام خمینی (ره)». <http://www.ensani.ir/fa/content/66961/default.aspx>.

- عابدی سروستانی، احمد و همکاران (۱۳۸۶)، «ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال دوم، شماره های ۱ و ۲: ۷۲-۵۹.

- عبدالهی، محسن (۱۳۸۸)، *حقوق حفاظت از هوا*، جزوه درسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- عبدالهی، محسن و رضوانی فر، محمدمهدی (۱۳۹۱)، «نظام حقوقی ایران و مسأله سیاست گذاری زیست محیطی»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۴: ۲۲۱ - ۲۴۸.

- عسگری، پوریا و ساعد وکیل، امیر (۱۳۸۳)، *نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی*، تهران: انتشارات مجد.

- فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۵)، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی»، *مجله تحقیقاتی حقوقی*، شماره ۱۶-۱۷: ۹۳-۱۳۶.

- فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۷)، «فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن»، *پژوهش های فلسفی - کلامی*، بهار، شماره ۳۵: ۱۰۷-۱۱۷.

- فیروزی، مهدی (۱۳۸۴)، *حق بر محیط زیست*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۸۸)، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکرد فلسفی تا راهبردهای حقوقی)»، *پژوهش های فلسفی کلامی*، سال یازدهم، شماره اول: ۱۹۵-۲۱۶.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، *مبانی حقوق عمومی*، تهران: نشر دادگستر.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت انتشار.

- کیس، الکساندر (۱۳۷۹)، *مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست*، ترجمه حبیبی، محمد حسن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.

- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۹)، *حقوق زیست محیطی بشر*، تهران: نشر دادگستر.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: موسسه آموزشی امام خمینی.

- میرزاده، نادر و سپهری فر، سیما (۱۳۹۲)، «تعامل حق بر محیط زیست سالم و حق بر

بهداشت»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم: ۳۷-۶۹.

- نصر، سیدحسین (۱۳۸۸)، «دین و بحران زیست محیطی»، ترجمه مدیرشانه‌چی، محسن، مجله نقد و نظر، شماره ۱۷ و ۱۸: ۸۸-۱۰۷.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

منابع لاتین

- Bosselmann, Kalus, (2005), *Human Rights and the Environment: Redefining Fundamental Principles*, University of Auckland.

- Boyle, Alan (2008), *Human Rights and the Environment: A Reassessment*, *Fordham Environmental Law Review*, Vol. XVIII: 471-511.

- Hoffman, Andrew John. Sandelands, Lloyd (2004), Getting Right with Nature: Anthropocentrism, Ecocentrism and Theocentrism, *Organization and Environment*, Vol. 18, No. 2: 1-22

- Kiss, Alexander & Shelton, Dinah (2004), *International Environmental Law*, Martinus Nijhoff Publisher, 3 editions.

- Report of UN Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development, 3-14 June 1992.

- Shelton, Dinah (1992), Human Rights, Environmental Rights, and the Right to Environment, *Stanford Journal of International Law*, vol. 28, No.1: 103-138.

- UNGA Resolution 45/94, 14 December 1990.

Received Date: 21/04/2017

Accepted Date: 06/09/2017

Analysis Of The Right Of Human To Environment

Seyed Mohammad Hosseini ¹

Mehrdad Mohammadi ^{2*}

Abstarct

In the course of last decades, and in line with the progress of technology, Environment and Natural Resources have severely affected due to human activities. These changes caused serious Pollution and Degradation of Environment in its different areas. In this context, There exists a question alongside the Development of Human Rights issues that whether Human has a right to Environment and its natural resources or not. In other words is this right a kind of Human Right that all humans are entitled to according to the rules and standards of human rights. Precise Answer to this Question depends on different Views to the Values and Functions of Environment. This research attempts to analyze the exact relationship between environment and human right from a legal point of view, and provides the most important examples of the right to environment as an important environmental right in order to explain and understand this right as a human right.

KeyWords: Human Rights, Environment, Right to environment, Anthropocentric, Ecocentrism.

۱۵۹

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

چکیده انگلیسی

1. PhD in International Law, Shahid Beheshti University.

2. PhD in International Law, Shahid Beheshti University. Email: mehrdad.university@gmail.com.